

نفره الاصل بود در اندم در سوم  
 رسید و آب بیاض را طلبید بیاض را  
 یافت لکن چون فقط بطریق رسید  
 دانسیل اعتباری بود مانیخ اعتبار  
 و رجوع در سکن طریق کراب نفره الاصلت و او طالب اب نقی است و نقی  
 در اول و پنجم بود و نقطه او خاک ششم بود که غم خوار بیماری و  
 خذ مکاری بر بیسی و عیوب اینها از مسوبات غایب ششم گفت آری  
 پس نقطه حکم که نفره الاصلت را ندیم در هشتم بیاض طریق بیست  
 و از خاک اینجا از آن شکل معتبر نبود باز خاک نفره الاصل رجوع کردیم  
 مطلوب او خاک نقی بود با فتم در اول و پنجم خاک در خانه استنش است  
 ثابت گفتم بیماری شنویشی کند و دیو جانم و بندگی و نزلانی  
 دیو جانم و حسود و غیبت و بدکاری واقع آید و مردم دون بلند  
 مرتبه گردند و مرغ گرفته شود و سایر حیوانات که یک بدست  
 با سانی در آید مطلوب ماضی نفره الاصل خاک فوج بود که فتم از این  
 پیشی جهت مکر و محبوب گاه خوش حال بودی و گاه بر حال الحال  
 جهت حیوان کوچک و بده بفرغ سری و بعد از این جهت مال و شربتی  
 نشویشی و نقصان آید و از غیب محبوب و زنی بدست آید و خوف  
 نیکو باجی و کارت زیاد شود احکام غایب هفتم اگر کسی بسوال کند احوال  
 غایب چون است یا ندرد آنکس است یا کسب و کار چو نیست و هزاره چاروم

یانه و زین خواهیم یانه و شرکت یا چنگ گفتم یا دعوی گفتم یا مصادره فلان  
 یانه و آنچه بخانه هفتم بود سرخاب درین باب مهمل از حضرت دانسیل  
 با فتم برین موصوفه میشود مع صوت مهمل مذکور برین منوال بود  
 استنش قبض الحارجه را بنیم با  
 استنش قبض الحارجه سرید در اول  
 وان استنش هوا استنش سیم که قبض  
 الحارجه است بخانه وان و در بازدهم  
 یافتیم که نثر هفتم است و آن جا صغیفست و لایتم  
 از خانه باید گفت و آن بازده تا پنجم هفت خانه است پس خوانم مسوبات  
 خانه هفتم بود که غایب و مقصد است و غیر اینها بر همین منوال ضمیمه گفتم  
 بگرا سایل گفت چنین است بعد نقطه حکم کراب قبض الحارجه است  
 را ندیم در هشتم با بیاض رسید و آن طالب اب غنیه الخاصیت در مهمل  
 نیافتم بسایل گفتم که غایب احوال دیده و در آنکس نیست که تو خیال  
 کرده و فلا جاعته بی و معامله و مقاطع مراد تو نیست و چنگ و مصادره  
 نباید کردن که مران دارد و احوال غایب میان است و زین از فوجها  
 میشود و غایب نیست که تو خیال کرده و بجای دیگر فرست است خواستم  
 و بر آنم که ضایع این احوال چو نیست نظر کردیم بجای اب غنیه خارج  
 ز روح اب جماعت بود و او طالب زوجه الحیا است با فتم در پنجم زوجه  
 اب الحیا در خانه استنش ضعیف است که درین ضعیف دوم بیشتر باشند

یانه